

۱- پاسخ: گزینه ۴

▲ مشخصات سؤال: متوسط * ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۲)

نکته: جمله عمومی یک دنباله حسابی با جمله اول a_1 و اختلاف مشترک d به صورت $a_n = a_1 + (n-1)d$ می باشد. اطلاعات داده شده در صورت سؤال را می نویسیم، داریم:

$$\begin{cases} a_{12} = 49 \Rightarrow a_1 + 11d = 49 \\ a_{19} = 112 \Rightarrow a_1 + 18d = 112 \end{cases} \xrightarrow{\text{حل دستگاه}} \begin{cases} d = 9 \\ a_1 = -50 \end{cases}$$

اکنون داریم:

$$a_n = a_1 + (n-1)d \Rightarrow 211 = -50 + (n-1) \times 9 \Rightarrow 211 = 9n - 59 \Rightarrow n = 30$$

پس جمله ۳۰ام این دنباله برابر ۲۱۱ است و گزینه ۴ پاسخ است.

۲- پاسخ: گزینه ۳

▲ مشخصات سؤال: متوسط * ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۲)

نکته: جمله عمومی یک دنباله حسابی با جمله اول a_1 و اختلاف مشترک d به صورت $a_n = a_1 + (n-1)d$ می باشد. نکته: مجموع n جمله اول یک دنباله حسابی با جمله اول a_1 و اختلاف مشترک d از روابط زیر به دست می آید:

$$S_n = \frac{n}{2}(a_1 + a_n) \text{ یا } S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d)$$

ابتدا باید تعداد سال ها را به دست آوریم. از فرمول $a_n = a_1 + (n-1)d$ ، به سادگی رابطه زیر قابل نتیجه گیری است:

$$n = \frac{a_n - a_1}{d} + 1 \Rightarrow n = \frac{40/5 - 3}{2/5} + 1 = \frac{37/5}{2/5} + 1 = 15 + 1 = 16$$

حال مجموع جملات را به دست می آوریم:

$$S_n = \frac{n}{2}(a_1 + a_n) = \frac{16}{2}(3 + 40/5) = 8 \times 43/5 = 348$$

۳- پاسخ: گزینه ۱

▲ مشخصات سؤال: متوسط * ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۲)

نکته: جمله عمومی یک دنباله حسابی با جمله اول a_1 و اختلاف مشترک d به صورت $a_n = a_1 + (n-1)d$ می باشد. نکته: مجموع n جمله اول یک دنباله حسابی با جمله اول a_1 و اختلاف مشترک d از روابط زیر به دست می آید:

$$S_n = \frac{n}{2}(a_1 + a_n) \text{ یا } S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d)$$

ابتدا جمله ۳۱ام را بر حسب جمله اول و اختلاف مشترک می نویسیم:

$$a_{31} = 48 \Rightarrow a_1 + 30 \cdot d = 48 \quad (*)$$

$$S_{61} = \frac{61}{2}(2a_1 + 60 \cdot d) \Rightarrow S_{61} = \frac{61}{2}(2(a_1 + 30 \cdot d)) \xrightarrow{(*)} S_{61} = \frac{61}{2} \times (2 \times 48) = 61 \times 48 = 2928$$

اکنون داریم:

▲ مشخصات سؤال: دشار * ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۲)

۴- پاسخ: گزینه ۲

$$a_m - a_n = (m-n)d$$

نکته: در یک دنباله حسابی با اختلاف مشترک d برای هر دو جمله دلخواه a_m و a_n داریم:

فاصله بین جملات هفتم، یازدهم و پانزدهم یکسان است (۴ تا ۴ به شماره ها اضافه شده). پس جمله وسط یعنی a_{11} میانگین a_7 و a_{15} است. داریم:

$$a_{11} = \frac{a_7 + a_{15}}{2} \Rightarrow \Delta x = \frac{(3x+2) + (6x+5)}{2} \Rightarrow \Delta x = \frac{9x+7}{2} \xrightarrow{\text{طرفین وسطین}} 10x = 9x+7 \Rightarrow x = 7$$

با جای گذاری $x = 7$ ، جملات یازدهم و پانزدهم را محاسبه می کنیم:

$$\begin{cases} a_{11} = \Delta x = 5(7) = 35 \\ a_{15} = 6x + 5 = 6(7) + 5 = 47 \end{cases}$$

مقدار d را به دست می آوریم:

$$a_{15} - a_{11} = (15-11)d \Rightarrow \underbrace{47-35}_{12} = 4d \Rightarrow d = 3$$

$$780 + 1300 = 2080$$

▲ مشخصات سؤال: دشوار * ریاضی و آمار ۳ (درس ۲، فصل ۲)

پاسخ: گزینه ۱

نکته: مجموع n جمله اول یک دنباله حسابی با جمله اول a_1 و اختلاف مشترک d از روابط زیر قابل محاسبه است:

$$1) S_n = \frac{n}{2}(a_1 + a_n)$$

$$2) S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d)$$

مجموع ۴۰ جمله اول برابر است با:

$$S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d) \Rightarrow S_{40} = \frac{40}{2}(2a_1 + 39d) = 20(2a_1 + 39d)$$

مجموع ۱۶ جمله اول برابر است با:

$$S_n = \frac{n}{2}(2a_1 + (n-1)d) \Rightarrow S_{16} = \frac{16}{2}(2a_1 + 15d) = 8(2a_1 + 15d)$$

طبق فرض سؤال، $S_{40} = 30S_{16}$ برابر است. پس:

$$\frac{S_{40}}{S_{16}} = 3 \Rightarrow \frac{20(2a_1 + 39d)}{8(2a_1 + 15d)} = 3 \Rightarrow \frac{10a_1 + 195d}{4a_1 + 30d} = 3 \xrightarrow{\text{طرفین وسطین}} 10a_1 + 90d = 10a_1 + 195d \Rightarrow 2a_1 = 105d$$

$$\Rightarrow a_1 = \frac{105}{2}d$$

حال نسبت a_{31} به a_1 را می‌نویسیم:

$$\frac{a_{31}}{a_1} = \frac{a_1 + 30d}{a_1} = \frac{\frac{105}{2}d + 30d}{\frac{105}{2}d} = \frac{165d}{105d} = \frac{165}{105} = \frac{11}{7}$$

▲ مشخصات سؤال: متوسط * ریاضی و آمار ۳ (درس ۱، فصل ۲)

پاسخ: گزینه ۳

ابتدا چند جمله ابتدایی این دنباله را می‌نویسیم:

$$a_1 = 1$$

$$a_2 = a_1 + 2(1) + 1 = 1 + 2 + 1 = 4$$

$$a_3 = a_2 + 2(2) + 1 = 4 + 4 + 1 = 9$$

$$a_4 = a_3 + 2(3) + 1 = 9 + 6 + 1 = 16$$

$$1, 4, 9, 16, \dots \Rightarrow a_n = n^2 \Rightarrow a_{25} = 2500$$

مشخص است که جملات این دنباله اعداد مربع کامل هستند، داریم:

نکته: جمله nام یک دنباله حسابی با رابطه $a_n = a_1 + (n - 1)d$ معرفی می‌شود، که در آن a_1 ، جمله اول و d اختلاف مشترک جملات دنباله است.

$$a_1^2 - a_5^2 = -96 \xrightarrow{\text{تجزیه با اتحاد مزدوج}} (a_1 - a_5)(a_1 + a_5) = -96 \Rightarrow (a_1 + 4d - (a_1 + 4d))(a_1 + 4d + a_1 + 4d) \\ = (4d)(2a_1 + 8d) = (4d)(2)(a_1 + 2d) = (8d)(a_1 + 2d) = (8d)(4) = 32d$$

بنابراین:

$$32d = -96 \Rightarrow d = -3$$

نکته: جمله nام یک دنباله حسابی با رابطه $a_n = a_1 + (n - 1)d$ معرفی می‌شود، که در آن a_1 ، جمله اول و d اختلاف مشترک جملات دنباله است.

با توجه به فرض سؤال، داریم:

$$\frac{a_8}{a_4} = \frac{a_1 + 7d}{a_1 + 3d} = \frac{3}{5} \xrightarrow{\text{طرفین وسطین}} 5a_1 + 35d = 3a_1 + 9d \Rightarrow 2a_1 + 26d = 0 \Rightarrow 2(a_1 + 13d) = 0 \Rightarrow a_1 + 13d = 0 \\ \Rightarrow a_{14} = 0$$

بنابراین جمله چهاردهم دنباله برابر صفر است.

تست و پاسخ ۱

آرایه‌های «تلمیح، مراعات نظیر، لف و نشر، تضاد و پارادوکس» به ترتیب در کدام ابیات دیده می‌شود؟

- | | |
|---|------------------------------------|
| الف) خلقی به یکدگر کفِ افسوس می‌زنند | خون از نشاط در رگِ منصور در سماع |
| ب) هیچ جا بهر وطن غیر از دیار عشق نیست | خانه در آن ملک از سیلاب آبادان شود |
| ج) صائب اظهار غم و شادی خود بی‌طرفی است | ورنه ما نیز بهاری و خزان‌ی داریم |
| د) جگرشکاف محیط است چون عصای کلیم | ز آه تیر خدنگی که در کمان داریم |
| ه) کام جان راست به بازار غمت صد تلخی | که به یک عشوۀ شیرین نخریدی از ما |
- ۱) د - ه - الف - ج - ب ۲) الف - د - ج - ب - ه ۳) د - الف - ج - ه - ب ۴) الف - ه - ج - د - ب

پاسخ: گزینه ۳

(علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس‌های ۳ و ۶)

پاسخ تشریحی از میان آرایه‌ها ابتدا تلمیح را انتخاب می‌کنیم. با توجه به گزینه‌ها، دو بیت «الف» و «د» را باید بررسی کنیم. بیت «الف» به ماجرای به دار کشیدن «منصور حلاج» و بیت «د» به ماجرای شکافتن رود نیل با عصای کلیم (حضرت موسی (ع)) اشاره دارد؛ بنابراین تلمیح هیچ گزینه‌ای را حذف نمی‌کند. حالا سراغ پارادوکس می‌رویم. ابیات پیشنهادی گزینه‌ها، دو بیت «ب» و «ه» هستند. در بیت «ب» آبادان شدن خانه با سیلاب، پارادوکس است؛ ولی بیت «ه» پارادوکس ندارد؛ در نتیجه ۲ حذف می‌شود. سومین آرایه انتخابی ما می‌تواند لف و نشر باشد. بیت‌های پیشنهادی در سه گزینه باقی‌مانده، «الف» و «ج» هستند. در بیت «ج»، «غم» با «خزان» و «شادی» با «بهار» مرتبط است و این بیت، لف و نشر مشوش (نامرئب) دارد؛ اما بیت «الف» لف و نشر ندارد و ۱ نیز حذف می‌شود. مراعات نظیر آرایه مناسبی برای بررسی نیست، چون کم‌تر بی‌تی هست که فاقد این آرایه باشد؛ پس سراغ آخرین آرایه باقی‌مانده یعنی تضاد می‌رویم. در ۳ و ۴ ابیات «ه» و «د» برای تضاد باید جست‌وجو شوند. در بیت «ه» دو کلمه «تلخی» و «شیرین» متضادند؛ ولی در بیت «د» کلمات متضاد دیده نمی‌شود و ۴ نیز حذف می‌شود و به جواب می‌رسیم.

نکته در بررسی آرایه تضاد، ممکن است نوع دستوری دو کلمه، یکسان نباشد؛ مثلاً در بیت «ه»، «تلخی» اسم است و با «شیرین» که صفت است، ایجاد تضاد کرده است.

تکنیک این گونه از سؤالات به سؤالات الفبایی مشهورند. برای پاسخ‌گویی به چنین سؤالاتی، آرایه‌ها را تک‌تک انتخاب و با توجه به ابیات پیشنهادی گزینه‌ها برای هر آرایه، ردّ گزینه می‌کنیم تا به جواب برسیم. در روش ردّ گزینه، آرایه‌ها را به سه گروه تقسیم می‌کنیم و مطابق دستورالعمل زیر عمل می‌کنیم:

شماره گروه	نام آرایه‌ها	دستورالعمل
۱	تشبیه - تشخیص - جناس تام - تلمیح - تضاد - تناقض - حسن آمیزی - حسن تعلیل - اسلوب معادله	این آرایه‌ها معمولاً ساده‌تر هستند و بهتر است بررسی سؤال را با آنها شروع کنیم.
۲	مجاز - کنایه - مراعات‌نظیر - ایهام - ایهام تناسب	آرایه‌هایی که حتی‌المقدور در ابتدا سراغشان نمی‌رویم.
۳	بقیه آرایه‌ها	آرایه‌های بینابین که با آنها ۵۰ - ۵۰ رفتار می‌کنیم.

البته ممکن است ما به دلایلی، آرایه‌های گروه ۳ و حتی ۲ را به گروه ۱ اولویت بدهیم؛ مثل همین سؤال که در آن، «لف و نشر» را پیش از تضاد بررسی کرده‌ایم.

تست و پاسخ ۱۰

در کدام بیت، هر سه آرایه «مراعات نظیر، مجاز و تشبیه» به کار رفته است؟

- ۱) سخن‌های بدش تعلیم دادند به زر وعده، به آهن بیم دادند
- ۲) صحبت ابلهان چو دیگ تهی است از درون خالی، از برون سیهی است
- ۳) می‌شود صائب ز سوز سینه‌ام عالم‌فروز گر چراغ کشته‌ای آرد کسی بر خاک من
- ۴) بوستان خانه عیش است و چمن کوی نشاط تا مهتیا نشود عیش مهتیا نرویم (مهتیا: گوارا)

پاسخ: گزینه ۴

(علوم و فنون ادبی یازدهم - درس‌های ۳ و ۶ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس ۳)

تکنیک اگر بخواهید هر سه آرایه را در تک‌تک ابیات بررسی کنید، زمان زیادی را هدر خواهید داد. با توجه به جدولی که در پاسخ سؤال قبل آوردیم، آرایه «تشبیه» را انتخاب می‌کنیم و با این کار، ۱ و ۳ را حذف می‌کنیم؛ سپس با «مجاز» به جواب می‌رسیم.

پاسخ تشریحی در بیت چهارم، میان «بوستان و چمن» و از سوی دیگر، میان «نشاط و عیش» مراعات نظیر وجود دارد. «چمن» مجاز از باغ و چمنزار است و دو تشبیه نیز در این بیت، دیده می‌شود: اولی تشبیه «بوستان» به «خانه عیش» و دومی تشبیه «چمن» به «کوی نشاط». بررسی سایر گزینه‌ها:

در ۱، میان «زر و آهن» مراعات نظیر هست و هم‌چنین «زر» مجاز از ثروت و «آهن» مجاز از شمشیر است؛ ولی در این بیت، تشبیه وجود ندارد. در ۲ میان «تهی و خالی» مراعات نظیر دیده می‌شود و «صحبت ابلهان» به «دیگ تهی» مانند شده؛ اما در این بیت، مجاز به کار نرفته است. در ۳ میان «گشته و خاک (= مزار)» می‌توان تناسبی در نظر گرفت و علاوه بر آن «سینه» مجاز از «قلب» و «خاک» مجاز از مزار است؛ ولی این بیت، تشبیه ندارد.

تست و پاسخ ۱۱

همه آرایه‌های «مراعات نظیر، لف و نشر، تضاد و استعاره»، در کدام یک از ابیات زیر مشهود است؟

- ۱) غمزه و ابروی چون تیر و کمان آفت ماست لیک ترکش نکنم گر همه قربان گردم
- ۲) با تابش زلف و رخت ای ماه دل‌افروز از شام تو قدر آمد و از صبح تو نوروز
- ۳) تشنه دیدار را کوثر نسازد دل خنک بلبان را برنیارد از خمار گل، گلاب
- ۴) نقش شیرین کوهکن را ساخت از دعوی خموش لاف، بیکار است هر جا کار گویا می‌شود

پاسخ: گزینه ۲

(علوم و فنون ادبی یازدهم - درس ۹ / علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس‌های ۳ و ۶)

تکنیک

یکی از آرایه‌ها را انتخاب کنید و با بررسی آن در چهار گزینه، ردّ گزینه کنید؛ سپس سراغ آرایه بعدی بروید. حتماً در انتخاب آرایه‌ها به جدول مندرج در پاسخ سؤال ۲۹ توجه داشته باشید تا راحت‌تر به جواب برسید.

پاسخ تشریحی

در بیت دوم، میان «زلف و رخ» مراعات نظیر دیده می‌شود. «زلف» با «شام» (شب) به‌خاطر تیرگی و «رخ» با «صبح» به‌خاطر روشنی مرتبط است و لَف و نَشْر مرثب ساخته است. میان «شام» در معنی شب و «صبح» تضاد وجود دارد و «ماه» استعاره مصّرحه از محبوب است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

در ۱) میان «غمزه با ابرو» و «هم‌چنین» تیر با کمان» مراعات نظیر هست. ارتباط میان «غمزه» (عشوه) با «تیر» (غمزه مانند تیر بر قلب عاشق می‌نشیند) و «ابرو» با «کمان» (به‌خاطر شکلشان) لَف و نَشْر مرثب پدید آورده است؛ اما این بیت تضاد و استعاره ندارد. در ۲) میان «بلبل و گل» از سویی و «گل و گلاب» از سوی دیگر مراعات نظیر وجود دارد و «تشنه دیدار» اضافه استعاره است؛ ولی آرایه‌های لَف و نَشْر و تضاد در آن نیست. در ۳) میان شیرین و کوهکن (فرهاد) مراعات نظیر هست. «خموش» و «گویا» متضادند؛ اما لَف و نَشْر و استعاره در بیت چهارم دیده نمی‌شود.

تست و پاسخ ۱۲

چنان چه بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب داشتن یکی از آرایه‌های «تناقض، مراعات نظیر، تلمیح، تضاد، تضمین و لَف و نَشْر» تنظیم کنیم، کدام گزینه درست است؟

از دیده ادراک نهان است و نهان نیست
گنج روان زیر دلّی، مار نهان در عصا
ولیکن شور شیرینش بماند تا جهان باشد
زخم تیغ مرهم هر دل‌فگاری
هزار شمع بکشتند و انجمن باقی است
تو درآوری به دامم، تو درافکنی به شستم

۲) الف - و - ه - د - ج - ب

۴) د - ه - ج - و - الف - ب

الف) آن جان جهانی که جهان در طلب اوست
ب) صاحب دلّی و عصا چون خضر و چون کلیم
ج) چو فرهاد از جهان بیرون به تلخی می‌رود سعدی
د) رنج عشقت راحت هر دردمندی
ه) جواب آن غزل است این‌که گفت عرفی ما
و) به لباس مرغ و ماهی روم از به کوه و دریا

۱) د - ب - ج - الف - ه - و

۳) الف - ب - د - ج - ه - و

پاسخ: گزینه ۱

پاسخ تشریحی

اگر بررسی آرایه‌ها را با «تناقض» شروع کنیم، هیچ گزینه‌ای حذف نمی‌شود، زیرا مطابق گزینه‌ها، در بیت «الف»، «نهان است و نهان نیست» و در بیت «د»، «راحت بودن رنج» و نیز «مرهم بودن زخم» تناقض دارد. نگاهی به آخرین آرایه، یعنی «لَف و نَشْر» می‌کنیم. ابیات «ب» و «و» هر دو لَف و نَشْر دارند (در بیت «ب»: «دلّی با خضر» و «عصا با کلیم (حضرت موسی ع)» مرتبط است و در بیت «و»: «مرغ با کوه و دام» و «ماهی با دریا و شست (قلاب ماهی‌گیری)»؛ بنابراین باز هم گزینه‌ای حذف نمی‌شود؛ پس معلوم است گزینه‌های سؤال، طوری چیده شده‌اند که راحت به جواب نرسیم. سراغ «تلمیح» می‌رویم. از میان ابیات پیشنهادی برای تلمیح، بیت «د» و «هم‌چنین» «ه» اشاره به موضوعی ندارند و ۲) حذف می‌شوند. حالا سراغ «تضمین» می‌رویم. در بیت «ه» مصراع دوم، از عرفی شیرازی است؛ اما بیت «الف» تضمین ندارد و ۳) نیز حذف می‌شود. اکنون برای اطمینان، آرایه‌های باقی‌مانده ۱) را بررسی می‌کنیم: در بیت «ب»، «دلّی» که جامه درویشی است با «عصا» و نیز «خضر» با «کلیم» که اسم دو پیغمبر است، مراعات نظیر دارند. در بیت «ج» تلمیح به داستان عاشقانه فرهاد و شیرین دیده می‌شود و در

(علوم و فنون ادبی دوازدهم - درس‌های ۳ و ۶)

تکنیک اگر بخواهید هر ۶ آرایه را در تک تک ابیات بررسی کنید، زمان زیادی هدر می‌رود. با توجه به جدول سؤال ۲۹ و با توجه به ابیات پیشنهادی گزینه‌ها برای هر آرایه، ردّ گزینه کنید تا به جواب برسید.

۱۳

گزینه «۳»

(سیدعلیرضا احمدی)

الف) بیت فاقد تلمیح است. / تشبیه: خم‌خانهٔ عشق (خم‌خانه: می‌کده)
ب) تشبیه: شاید تشبیه‌دانستن رابطهٔ بین واژهٔ «رخ» و «تور» سخت‌گیرانه باشد، ولی واضحاً بین «زلف» و «شب» رابطهٔ شباهت مشهود است. این تشبیه، از نوع مضمّر یا پنهان است و اغلب بین یک پدیدهٔ مربوط به معشوق و یک پدیدهٔ طبیعی اتفاق می‌افتد: مثل قد و سرو یا چشم و ترگس و یا ماه و چهره / تلمیح: یادآور دیدار خداوند و حضرت موسی در کوه طور
ج) بیت فاقد تشبیه است. / تلمیح: اشاره به «آلست بر یکم...»
د) تشبیه مضمّر: ادعای همانندی لب‌های یار و چشمهٔ حیات (معنای بیت: اگر خضر لب‌های تو را می‌دید، می‌گفت که این لب، لب چشمهٔ حیات است. در ادبیات ما، «لب» پدیده‌ای جان‌بخش و مروح است و از این‌رو، آن را به آب و چشمه مانند می‌کنند). / تلمیح: یادآور حکایت حضرت خضر و آب حیات
ه) تشبیهات: «زلیخای صبا» و «یوسف گل» (سعدی به زیبایی، باد صبا را به زلیخایی تشبیه کرده که پیراهن گل را پاره می‌کند). / تلمیح: اشارهٔ غیر مستقیم به داستان مشهور یوسف و زلیخا

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

۱۴

گزینه «۴»

(سیدعلیرضا احمدی)

در بیت گزینهٔ «۴» ترصیع وجود ندارد، چرا که واژهٔ «دل» در مصراع اول و واژهٔ «جان» در مصراع دوم دارای حروف پایانی مشترک نیستند.

چرا / تنهم / نهم / دل / بر / خیالت

چرا / ندهم / دهم / جان / در / وصال

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تلمیح به کلام آشنای «سحرخیز باش تا کامروا شوی» دارد.

گزینهٔ «۲»: مصراع دوم بنا بر راهنمایی خود شاعر (طغرل احراری) از بیدل دهلوی تضمین شده‌است.

گزینهٔ «۳»: واژه‌های «سیو، ساقی و خم» مراعات‌نظیر دارند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی و معنوی، ترکیبی)

بیت «ب»: تکرار: واژه‌های «دل» و «تن»
 بیت «ج»: ترصیع: تقابل سجع‌های متوازی در این بیت، پدیدآورنده آرایه
 ترصیع است (توجه داشته باشید که واژه «مولی» به شکل «مولا» تلفظ
 می‌شود؛ بنابراین، واژه «مولی» با واژه «دتیا» سجع متوازی دارند).
 بیت «الف»: واج‌آرایی: صامت «س»
 بیت «د»: موازنه: تقابل سجع‌های متوازی و متوازن در این بیت، پدیدآورنده
 آرایه موازنه است.
 توجه: بیت «الف»، فاقد موازنه است؛ زیرا واژه «درد» و واژه «آلم» هموزن نیستند.
 (علوم و فنون ادبی (۱)، بدیع لفظی، ترکیبی)

مجاز: «صد» مجاز از تعداد زیاد / تشبیه: در مصراع دوم، یک پیام ممدوح،
 با وجه شبه تأثیرگذاری، به صد حسام (شمشیر) تشبیه شده است. / موازنه:
 تقابل سجع‌های متوازی و متوازن، پدیدآورنده آرایه موازنه است.
 (علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع، ترکیبی)

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، است و به ابعاد محدود می‌شود. این هویت در قالب عناوین امت و
 ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

- ۱) توحیدی یا اساطیری - اقتصادی و سیاسی - قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی
- ۲) سکولار و دنیوی - اقتصادی و سیاسی - سکولاریستی و مارکسیستی
- ۳) توحیدی یا اساطیری - تاریخی و جغرافیایی - سکولاریستی و مارکسیستی
- ۴) سکولار و دنیوی - تاریخی و جغرافیایی - قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی

(متوسط - خط به خط - ۱۰۱۳)

پاسخ: گزینه ۴

پاسخ تشریحی:

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا حتی اساطیری نیست، بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود
 می‌شود. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند.

مستشرقان یا شرق‌شناسان به جمعی از محققان غربی گفته می‌شود که از منظر جهان غرب و با اهداف مواضع غربی، جوامع شرقی و میراث فرهنگی آن‌ها را
 مطالعه می‌کنند. در واقع به جای بازخوانی و مطالعه به بازسازی و خلق هویت شرقی از منظر جهان غرب می‌پردازند.

الف: نظریه پردازان غربی طی قرن بیستم، کدام مورد را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند؟

ب: بازگشت ایران به اسلام چه نوع بازگشتی بود؟

ج: جهان اسلام در حمله مغول چه برخوردی با مهاجمان داشت؟

د: جامعه ایران چگونه به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد؟

۱) مارکسیسم - بازگشت به خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی - مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد. - با بازگشت به هویت اسلامی خود

۲) سکولاریسم - بازگشت به خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی - به دفع مهاجمان پرداخت. - به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر شدن

۳) مارکسیسم - بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی - به دفع مهاجمان پرداخت. - به عنوان یک قطب فرهنگی جدید ظاهر شدن

۴) سکولاریسم - بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی - مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد. - با بازگشت به هویت اسلامی خود

(متوسط - خط به خط - ۱۰۱۳)

پاسخ: گزینه ۴

پرسی موارد:

«الف»: نظریه پردازان غربی طی قرن بیستم، سکولاریسم و دنیوی شدن را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند.

«ب»: بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به یک خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود بلکه بازگشت به خویشتن الهی و توحیدی بود.

«ج»: جهان اسلام در حمله مغول، مهاجمان را درون خود جذب و هضم کرد.

«د»: جامعه ایران با بازگشت به هویت اسلامی خود که هویتی مستقل، فعال و اثرگذار است، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد.

برخورد جهان غرب با جهان اسلام تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است. قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی‌ها بخش‌هایی از ذهنیت مسلمانان را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت جهان اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله جامعه ایران رواج پیدا کند.

هریک از موارد زیر به ترتیب با مفاهیم کدام گزینه در ارتباط است؟

- خواست و اراده کسان است که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود.

- مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد.

- هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، پدید می‌آید.

- به این معناست که قدرت براساس یک نظام عقیدتی و ارزشی خاص اعمال شود.

۱) مدار مشروعیت - سیاست - نظام سیاسی - مشروعیت قدرت

۲) مدار مشروعیت - سیاست - نظام سیاسی - مقبولیت قدرت

۳) مدار مقبولیت - سیاست - نظام سیاسی - مقبولیت قدرت

۴) مدار مقبولیت - سیاست - نظام سیاسی - مشروعیت قدرت

بررسی موارد:

- مدار مقبولیت، خواست و ارادهٔ کسانی است که قدرت بر آن‌ها اعمال می‌شود.
- مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.
- هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید.
- مشروعیت قدرت به این معناست که قدرت براساس یک نظام عقیدتی و ارزشی خاص اعمال شود.

مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. اگر قدرت موافق حکم و قانون و ارادهٔ تشریحی خداوند اعمال شود، مشروعیت حقیقی دارد اما اگر مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

گروه آموزشی ماز

براساس دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها، هریک از موارد زیر به ترتیب در کدام قسمت جدول قرار می‌گیرند؟

شيوهٔ حکومت تعداد حاکمان	براساس فضیلت	براساس خواست و میل افراد
		فرد
اقلیت	هـ	ب
اکثریت	ج	د

(۴) «و» - «الف» - «د»

(۳) «ب» - «الف» - «ج»

(۲) «و» - «ج» - «هـ»

(۱) «ب» - «ج» - «د»

بررسی موارد:

- الیگارشسی ← حکومت اقلیت بر اساس خواست و میل افراد «ب»
- مونارشسی ← حکومت فرد بر اساس فضیلت «الف»
- پولیتی ← حکومت اکثریت بر اساس فضیلت «ج»

دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها:

شيوهٔ حکومت تعداد حاکمان	براساس فضیلت	بر اساس خواست و میل افراد
		فرد
اقلیت	آریستوکراسی	الیگارشسی
اکثریت	پولیتی (جمهوری)	دموکراسی

گروه آموزشی ماز

در ارتباط با «هویت اقتصادی جامعه و نهاد اقتصاد» عبارت نادرست کدام است؟

- ۱) به آن دسته از فعالیت‌های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می‌دهیم، کنش اقتصادی می‌گویند.
- ۲) کنش‌های اجتماعی ما بخشی از کنش‌های اقتصادی‌اند زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرند.
- ۳) مجموعهٔ کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهد.
- ۴) در هر جامعه‌ای اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آن‌ها تناسب پیدا می‌کند.

پاسخ تشریحی:

کنش‌های اقتصادی ما، بخشی از کنش‌های اجتماعی‌اند؛ زیرا در رابطه با دیگران صورت می‌گیرند.

نهادها در تمامی جوامع وجود دارند ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. در هر جامعه‌ای اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آن‌ها تناسب پیدا می‌کند. از این رو، یکی از وجوه تمایز جوامع، اقتصاد و مؤلفه‌های اقتصادی آن‌هاست.

در ارتباط با مفهوم «هویت ایرانی»، کدام گزینه اطلاعات درستی ارائه می‌دهد؟

- (۱) جامعه ایرانی با بازگشت به هویت اسلامی خود، به صورت قلب تپنده بیداری اسلامی درآمد - تجمل‌گرایی و غلبه فرهنگ مصرفی، از معضلات اقتصاد ایران امروزی است - انقلاب اسلامی ایران، حاصل مقاومت در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود.
- (۲) عقل و وحی دو وسیله شناخت ارزش‌های الهی و احکام اجتماعی در نظام اسلامی هستند - در ایران از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست‌های کاهش جمعیت شروع شد - هویت اقتصادی امروز جامعه ما، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی وابسته است.
- (۳) ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه هویت خود را کنار گذاشتند - جمهوری اسلامی نوعی نظام سیاسی است که مدعی است فقط با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد - ایران اسلامی، از طریق اقتصاد مقاومتی می‌خواهد اقتصاد خود را بازسازی کند.
- (۴) در نظام اسلامی، احکام و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت خداوند شکل می‌گیرد - هجوم اقتصادی به ایران، در دوره قاجار از طریق تخریب بنیان‌های تولید ملی انجام می‌گرفت - هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی و در مواردی اساطیری بود.

(جامعه‌شناسی دهم - درس‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۶)

پاسخ: گزینه ۱

مشاوره درس‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۶ کتاب جامعه‌شناسی دهم، در ارتباط با هویت ایرانی است و به ابعاد مختلف هویت ایرانی می‌پردازد؛ از جمله: هویت فرهنگی، هویت سیاسی، هویت جمعیتی و هویت اقتصادی. حتماً به مفاهیم و مطالب مرتبط در کتاب درسی توجه کنید.

نکته نکات لازم برای حل این سؤال:

- هویت اقتصادی ← جهان غرب ← سرمایه‌داری
 ← اسلام و ایران اسلامی ← اقتصاد اسلامی و کمک به محرومان / اقتصاد مقاومتی در ایران
- نظام سیاسی ← لیبرال دموکراسی ← اباحت و مباح دانستن همه امور برای انسان‌ها / ادعای شکل‌گیری با خواست اکثریت مردم
 ← جمهوری اسلامی ← حضور مردم / اراده خداوند برای قانون‌گذاری
- هجوم اقتصادی به ایران ← در دوره قاجار ← از طریق اخذ امتیازات مختلف مانند رویتر و رژی
 ← در دوره پهلوی ← از طریق تاراج نفت، فروش جنگ‌افزار، تخریب تولید ملی و روح خودباوری ملت ایران

۲ درست - درست - نادرست (مربوط به شیوه اقتصاد سرمایه‌داری غرب است.)

۳ درست - نادرست (مربوط به نظام لیبرال دموکراسی است.) - درست

۴ درست - نادرست (مربوط به هجوم اقتصادی در دوره پهلوی است.) - درست

تست و پاسخ ۲۳

به ترتیب، علت پدیدایی هر یک از وضعیت‌های زیر کدام است؟

- ملحق شدن ایران به جهان اسلام
 - خودباختگی بخش‌هایی از ذهنیت مسلمانان
 - بازگشت جامعه ایرانی به هویت اسلامی خود
- ۱) آشنایی ایرانیان با اسلام - رواج تصاویر القایی شرق‌شناسان از هویت جهان اسلام - ظهور اسلام به عنوان قطب فرهنگی جدید
 ۲) عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام - قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی با جهان اسلام - استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت
 ۳) پذیرش عقاید اسلامی - رواج تصاویر القایی شرق‌شناسان از هویت جهان اسلام - مقاومت هویت اسلامی در برابر هجوم غرب
 ۴) مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری اسلام - قدرت سیاسی و فرهنگی غرب در نخستین رویارویی با جهان اسلام - رهبری امام خمینی در انقلاب

(جامعه‌شناسی دهم - درس ۱۳)

پاسخ: گزینه ۲

مشاوره هر جا در کتاب درسی، عبارتی مثل: «به دلیل، به علت، زیرا، چون، از آن جهت و ...» دیدیم، نشان‌دهنده وجود روابط علت و معلولی است. حسابی حواستان به علت و معلول‌های کتاب درسی باشد.

نکته

حاصل یک سده مقاومت هویت اسلامی ایران در برابر هجوم سیاسی و اقتصادی غرب بود.

بازگشت به خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود.

بازگشت ایران به اسلام } بلکه بازگشت به خویشتن توحیدی و الهی بود.

انقلاب اسلامی ایران } جامعه ایرانی به رهبری امام خمینی (ره) و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت (ع)، به هویت اسلامی خود بازگشت و تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد. **به این ترتیب** از مرزهای خود در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بودند، به مدت هشت سال دفاع کرد.

این انقلاب علاوه بر تأثیر در جامعه ایران، بر جهان اسلام و جهان غرب نیز تأثیر گذاشت.

پاسخ تشریحی ● عقاید و ارزش‌های توحیدی اسلام (علت)، ایران را به جهان اسلام ملحق ساخت (پیامد) و هویت ایرانی به صورت بخشی

از هویت جهان اسلام درآمد.

● قدرت سیاسی و نظامی غرب در نخستین رویارویی‌ها (علت)، بخش‌هایی از ذهنیت مسلمانان را به خودباختگی فرهنگی دچار ساخت (پیامد).

● جامعه ایرانی به رهبری امام خمینی و با استفاده از آموزه‌های قرآن و اهل بیت (علت)، به هویت اسلامی خود بازگشت (پیامد).

هرگاه یک فرد بتواند کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد، دیگران با میل درونی مطابق اراده او عمل کنند، قدرت مقبول او رسمیت پیدا کند و در نهایت براساس یک ایدئولوژی بشری اعمال قدرت کند، به ترتیب از کدام مفاهیم بهره برده است؟

- ۱) قدرت فردی - مقبولیت - اقتدار - مشروعیت دروغین
- ۲) قدرت اجتماعی - تبعیت - اقتدار مقبول - تبعیت با کراهت
- ۳) قدرت اجتماعی - تبعیت با رضایت - اقتدار - مشروعیت دروغین
- ۴) قدرت - مقبولیت - اقتدار مقبول و مشروع - تبعیت با کراهت

(جامعه‌شناسی دهم - درس ۱۵)

پاسخ: گزینه ۳

تکنیک این سؤال را به چند سؤال کوچک تقسیم کنید:

- ۱) به خدمت گرفتن کار ارادی دیگران بیانگر کدام مفهوم است؟
- ۲) اگر شخصی با میل درونی از قدرت دیگری تبعیت کند، تبعیت او از چه نوعی است؟
- ۳) قدرت مقبولی که به رسمیت شناخته شود چه نام دارد؟
- ۴) اعمال قدرت مطابق با ایدئولوژی‌های بشری چه نام دارد؟

پاسخ تشریحی ● قدرت اجتماعی هنگامی پیدا می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی آن‌ها را به خدمت بگیرد.

- تبعیت با رضایت وقتی است که شخص با میل درونی، مطابق اراده دیگری عمل کند.
- قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شود، اقتدار نامیده می‌شود.
- اگر قدرت موافق با حکم، قانون و اراده تشریحی خداوند اعمال شود، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر مبتنی بر ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

دام تستی ابتدای صورت سؤال، بیانگر قدرت اجتماعی است، نه قدرت فردی. قدرت فردی یعنی انسان کار را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، در حالی که قدرت اجتماعی یعنی انسان بر اراده دیگران تأثیر بگذارد؛ بنابراین ۱) نمی‌تواند درست باشد.

در ارتباط با مقایسه انواع نظام‌های سیاسی از نظر ارسطو و فارابی، موارد خواسته شده در کدام گزینه آمده است؟

- معادل حکومت موناشری در دیدگاه فارابی
 - اشتراک حکومت دموکراسی و جماعیه
 - عامل تعیین حقیقت از دیدگاه فارابی
 - تفاوت جامعه قناعت‌گرایی با جامعه خوش‌گذرانی
- (۱) جامعه سرفرازی - روش تصمیم‌گیری - عقل و وحی - روش حکومت و تصمیم‌گیری
 (۲) ضروریه - تعداد حاکمان - عقل و وحی - تصمیم براساس فضیلت یا خواست حاکم
 (۳) کرامیه - تعداد افراد تصمیم‌گیر و تأثیرگذار - اراده الهی - روش حکومت
 (۴) جامعه قناعت‌گرایی - شیوه حکومت - اراده الهی - تعداد حاکمان و افراد تأثیرگذار

(جامعه‌شناسی دهم - درس ۱۵)

پاسخ: گزینه ۳

مشاوره عجب سؤال سختی!!! نظریات ارسطو و فارابی درباره انواع نظام‌های سیاسی را خوب بخوانید و تا حد امکان شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان را با یکدیگر مقایسه کنید.

درس نامه ..

دسته‌بندی ارسطو از انواع نظام‌های سیاسی:

براساس خواست و میل حاکم	براساس فضیلت	شیوه حکومت
		تعداد حاکمان
تیرانی (استبدادی)	موناشری	فرد
الیگارشی	آریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	پولیتی (جمهوری)	اکثریت

خدمت‌محور		انسان‌محور		شیوه حکومت تعداد حاکمان
براساس ملت الهی		براساس خواست و میل شخصی حاکم	براساس فضیلت انسانی	
مطابق اصل	صورت تحریف‌شده			
فاضله	مبدله	تغلبیه (جامعه زورگویی)	کرامیه (جامعه سرفرازی)	فرد
—	فاسقه	خست (جامعه خوش گذرانی)	ضروریه (جامعه قناعت‌گرایی)	اقلیت
—	ضاله	یسار یا بداله (جامعه مال‌اندوزی)	جماعیه (جامعه آزادی)	اکثریت

پاسخ تشریحی ● از نظر ارسطو، حکومت موناشرسی، حکومت فرد براساس فضیلت است. در دیدگاه فارابی نیز، کرامیه (جامعه سرفرازی) حکومت فرد براساس فضیلت انسانی است.

● دموکراسی، حکومت اکثریت بر مدار خواست آنهاست. جماعیه (جامعه آزادی)، حکومت اکثریت بر مدار فضیلت انسانی است؛ بنابراین اشتراک این دو نوع حکومت، تعداد حاکمان و افراد تصمیم‌گیر (اکثریتی‌بودن) است.

- از نظر فارابی، حقیقت با اراده الهی تعیین می‌شود و با کمک عقل و وحی، شناخته می‌شود.
- ضرورتاً (جامعه قناعت‌گرایی)، حکومت اقلیت بر اساس فضیلت انسانی است. خست (جامعه خوش‌گذرانی)، حکومت اقلیت بر اساس خواست و میل حاکم است؛ بنابراین تفاوت آن‌ها، در روش تصمیم‌گیری و شیوه حکومت است.

۲۶

تست و پاسخ

پاسخ پرسش‌های زیر، به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟

- اشتراکی شدن مزارع در روسیه پس از انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ میلادی، مصداق چیست؟
- اعمال قدرت سازمان‌یافته برای رسیدن به هدفی معین، چه نام دارد؟
- بازگشت ایران به عقاید و ارزش‌های حقیقی اسلام، دارای چه خصوصیتی بود؟
- ۱) تأثیر نظام فرهنگی بر نظام اقتصادی - نظام سیاسی - بازگشت به خویشتن الهی
- ۲) تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی - سیاست - بازگشت به خویشتن الهی
- ۳) تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی - عمل سیاسی - بازگشت به خویشتن تاریخی
- ۴) تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی - سیاست - بازگشت به خویشتن تاریخی

پاسخ: گزینه ۲

(پایه‌شناسی دهم - درس‌های ۱۳ و ۱۵)

نکته

مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد. در یک جهان اجتماعی، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی و اقتصادی باشد.

بنابراین نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر اثر می‌گذارد و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرد.

- مثال ۱: با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و اشتراکی رایج شدند. این مثال نشان‌دهنده تأثیر نظام سیاسی بر نظام اقتصادی است.
- مثال ۲: وجود شعار «جدایی دین از سیاست» بر سر در کلیسایی در فرانسه، نشان‌دهنده تأثیر نظام سیاسی بر نظام فرهنگی است.

- پس از انقلاب کمونیستی روسیه، مزارع کشاورزی اشتراکی شد، یعنی نظام سیاسی بر نظام اقتصادی تأثیر گذاشت.
- هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید؛ زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان‌یافته برای دستیابی به هدفی معین است.
- بازگشت ایران به اسلام، بازگشت به یک خویشتن صرفاً تاریخی و جغرافیایی که با اندیشه‌های دنیوی غربی تفسیر می‌شد، نبود؛ بلکه بازگشت به خویشتن توحیدی و الهی بود.

۲۷

تست و پاسخ

- چرا تأمین جمعیت مناسب برای جهان اجتماعی مسئله‌ای هویتی است و در دیدگاه اسلام، افزایش جمعیت در چه صورت ضروری است؟
- (۱) کاهش جمعیت می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط بر جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. - در مواقعی که هدف، تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن باشد، افزایش جمعیت ضروری است.
 - (۲) افزایش جمعیت یک جهان اجتماعی به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است. - در مواقعی که فرهنگی که در جهان اجتماعی با افزایش جمعیت بسط پیدا می‌کند، حق باشد و اعضای آن فرهنگ، حاملان و عاملان معانی حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است.
 - (۳) کاهش جمعیت می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. - در مواقعی که حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن افزایش یابند، آن فرهنگ گسترش بیشتر پیدا می‌کند و تنها راه گسترش آن فرهنگ، اندیشیدن و پذیرش فرهنگ است.
 - (۴) جهان اجتماعی با آگاهی‌ها و معانی مشترکی که بین اعضای آن است، تشکیل می‌شود. - در مواقعی که فرهنگی که در جهان اجتماعی با افزایش جمعیت بسط پیدا می‌کند، حق باشد و اعضای آن فرهنگ، حاملان و عاملان معانی حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است.

(پایه‌شناسی دهم - درس ۱۶)

پاسخ: گزینه ۲

پاسخ تشریحی

- افزایش جمعیت یک جهان اجتماعی به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است و کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی، به منزله محدود شدن گستره آن جهان اجتماعی است و می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. از این‌رو، تأمین جمعیت مناسب برای جهان‌های اجتماعی، مسئله‌ای هویتی است.
- در اسلام، در صورت وجود دو شرط، افزایش جمعیت ضروری است:
 - (۱) فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد.
 - (۲) افراد و اعضای فرهنگ، حاملان و عاملان معانی حق باشند.

۲۸

تست و پاسخ

عبارات مرتبط با هر یک از موارد زیر، در کدام گزینه آمده است؟

- دیدگاه مستشرقان نسبت به هویت فرهنگی جوامع اسلامی
- بسط و توسعه فرهنگ توسط نظام سیاسی
- شکل‌گیری جامعه براساس عقاید و ارزش‌های باطل
- واکنش جهان اسلام نسبت به دشمن در جنگ‌های صلیبی

- (۱) توحیدی و اساطیری - تعیین عقاید و ارزش‌های حاکم بر نظام فرهنگی - جامعه فاسق - جذب
- (۲) محدود به ابعاد تاریخی - وفاداربودن نظام سیاسی به ارزش‌های فرهنگی جامعه - جامعه مشرک - دفع
- (۳) در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی - استفاده از مدیریت سیاسی - جامعه فاسق - دفع
- (۴) سکولار و دنیوی - عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید فرهنگی جامعه - جامعه مشرک - جذب

(پایه‌شناسی دهم - درس‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۶)

پاسخ: گزینه ۲

نکته نکات لازم برای حل این سؤال:

- (۱) طبق نظر فرهنگ اسلامی
- ← اگر فرهنگی که گسترش می‌یابد حق نباشد (باطل باشد) ← جامعه مشرک
 - ← اگر اعضای فرهنگی که گسترش می‌یابد، عاملان معانی حق نباشند ← جامعه فاسق
- (۲) واکنش جهان اسلام
- ← در حمله مغول ← جذب و هضم
 - ← در جنگ‌های صلیبی ← دفع
 - ← در مواجهه با غرب جدید ← هنوز پایان نیافته است.

پاسخ تشریحی

در دیدگاه مستشرقان، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست؛ بلکه سکولار و دنیوی است و به ابعاد تاریخی و جغرافیایی آن محدود می‌شود. این هویت در قالب عناوین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی، امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف نظیر ترک، عرب و فارس تقسیم می‌کند. (رد ۱)

- نظام سیاسی اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه وفادار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند. (رد ۱ و ۴)
- جامعه مشرک، جامعه‌ای است که براساس عقاید و ارزش‌های باطل شکل می‌گیرد. (رد ۱ و ۳)
- جهان اسلام در جنگ‌های صلیبی، به دفع مهاجمان پرداخت. (رد ۱ و ۴)

۲۹

پاسخ: گزینه ۴

▲ مشخصات سؤال: متوسط * روان‌شناسی درس ۵

مراحل حل مسئله به ترتیب:

- (۱) تشخیص مسئله
(۲) به‌کارگیری راه‌حل مناسب
(۳) ارزیابی راه‌حل
(۴) بازبینی و اصلاح راه‌حل
(۵) انتخاب راه‌حل‌های جایگزین

الیاس بعد از تشخیص مسئله، از طریق به‌کارگیری یک فرمول سعی کرده است، آن را حل کند (به‌کارگیری راه‌حل مناسب). سپس برای اینکه مطمئن شود راه‌حلش درست بوده یا نه، عدد به‌دست آمده را درون معادله قرار می‌دهد و از این طریق متوجه می‌شود، پاسخ او نادرست است (ارزیابی راه‌حل). در نتیجه مجبور می‌شود، فرمول دیگری را جایگزین فرمول قبلی بکند (انتخاب راه‌حل جایگزین).

۳۰

پاسخ: گزینه ۲

▲ مشخصات سؤال: دشوار * روان‌شناسی درس ۶

بررسی عبارات به ترتیب:

- عبارت اول: نادرست. ناتوانی در حل مسئله، وضعیت عاطفی ناخوشایندی را ایجاد می‌کند که ناکامی نام دارد.
- عبارت دوم: نادرست. تعارض انواع مختلف دارد، نه ناکامی. صورتی که فرد به‌صورت مداوم و پی‌درپی، تعارض‌های مختلفی را تجربه کند، دچار آسیب‌های روانی و جسمانی می‌شود.
- عبارت سوم: نادرست. ناکامی باعث پرخاشگری می‌شود. هر قدر شهروندان جامعه از مهارت‌های حل مسئله آگاه باشند، احتمال استفاده از روش‌های تهاجمی و پرخاشگری کمتر خواهد بود. در واقع یکی از علل پرخاشگری، ضعف در مهارت حل مسئله و ناکام شدن است.
- عبارت چهارم: درست. ناتوانی در حل مسئله علاوه بر ناکامی، باعث فشار روانی هم می‌شود؛ بنابراین یکی از روش‌های کاهش فشار روانی، پرورش روش‌های درست حل مسئله است.

۳۱

پاسخ: گزینه ۴

▲ مشخصات سؤال: دشوار * روان‌شناسی درس ۵

- مرحله اول: تعریف مسئله. پیدا کردن راهی برای سرگرم کردن بچه‌ها در تعطیلات آخر هفته
- مرحله دوم: ارائه همه راه‌حل‌های احتمالی. رفتن به خانه بازی، باغ‌وحش، موزه، پارک، خرید، سینما و ...
- مرحله سوم: ارائه معیارهایی برای داوری. مشخص کردن حداکثر بودجه، میزان زمان لازم، تعداد افراد و ...
- مرحله چهارم: ارائه بهترین راه‌حل. رفتن به خانه بازی و صرف شام در رستوران بعد از آن

در این مثال فعالیت شناختی احسان، تصمیم‌گیری و فعالیت برادر او حل مسئله نام دارد. یکی از تفاوت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله این است که اولویت‌های یک تصمیم‌گیری می‌تواند شامل همه گزینه‌های احتمالی باشد؛ به عبارت دیگر هر اولویتی فرد تصمیم‌گیرنده را به مقصد می‌رساند، ولی ممکن است، اولویت مطلوب نباشد. در حالی که در حل مسئله ممکن است راه‌حل‌های مختلفی داشته باشیم، ولی فقط یک راه است که ما را به حل مسئله می‌رساند. بنابراین عبارت گزینه ۲ درست است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: تصمیم‌گیری یکی از عالی‌ترین و پیچیده‌ترین فعالیت‌های شناختی انسان است و در مراتب شناخت از حل مسئله نیز بالاتر قرار دارد. قسمت اول درست است. تصمیم‌گیری نوعی حل مسئله است، زیرا تصمیم‌گیرندگان با این مسئله مواجه‌اند که بهترین انتخاب چیست. بنابراین هر دو نفر با مسئله مواجه‌اند و قسمت دوم جمله نادرست است. گزینه ۳: در تصمیم‌گیری با اولویت‌ها سروکار داریم، در حالی که در حل مسئله با راه‌حل‌ها مواجه هستیم. بنابراین محسن با راه‌حل‌ها سروکار دارد، نه اولویت‌ها. گزینه ۴: دغدغه تصمیم‌گیرندگان، انتخاب بهترین اولویت است، در حالی که در حل مسئله افراد به دنبال روش‌های موفق و کارآمد هستند. بنابراین احسان به دنبال انتخاب بهترین اولویت است.

بررسی عبارات:

عبارت اول: درست. گاهی تصمیم‌گیری‌هایی وجود دارد که تعداد اولویت‌ها در آن زیاد است، ولی تصمیم‌گیری از نوع ساده محسوب می‌شود. مانند تصمیم‌گیری مینا برای انتخاب مانتو، بنابراین این عبارت درست است. عبارت دوم: درست. دشواری یک تصمیم تابع توانمندی، نگرش‌ها و تجارب شخصی است. از طرف دیگر تصمیم‌گیری‌هایی وجود دارد که به دلیل اهمیت فراوان موضوع از نوع تصمیم‌گیری دشوار به حساب می‌آید. بنابراین می‌توانیم بگوییم که دشواری تصمیم‌گیری تابع اهمیت تصمیم هم هست. مانند تصمیم‌گیری برادر مینا برای انتخاب نوع درمان بیمار کهنسال. عبارت سوم: نادرست. تقسیم تصمیم‌گیری به انواع ساده - پیچیده و مهم - معمولی بر اساس نوع تصمیم بوده است، بنابراین بر اساس نوع تصمیم با چهار نوع تصمیم‌گیری مواجهیم که عبارتند از: تصمیم‌گیری مهم ساده، مهم پیچیده، معمولی ساده و معمولی پیچیده. عبارت چهارم: درست. بر اساس تعداد افراد تصمیم‌گیرنده تصمیم‌گیری به دو نوع فردی و گروهی تقسیم می‌شود. هرگاه تصمیم‌گیرنده نهایی یک نفر باشد، حتی اگر از نظرات دیگران استفاده کند و با افراد مختلف مشورت کند، تصمیم‌گیری او فردی محسوب می‌شود. بنابراین تعداد افراد تصمیم‌گیرنده مهم است، نه اینکه در جریان تصمیم‌گیری از چه شیوه‌ای استفاده شده است.

بررسی عبارات:

عبارت اول: مزایا، سیاش روزانه تمرین می‌کند که در مسابقات مدال آورد، بنابراین تصمیم او به دلیل سودمندی مورد انتظار یا به دست آوردن مزایا است. عبارت دوم: خطر. پرهام نگران از دست دادن دوستانش است و نمی‌خواهد در این زمینه ریسک کند. پس ملاک او خطر است. عبارت سوم: هزینه (هزینه‌های قبلی). سمیرا کالای تاریخ مصرف گذشته خریده و تصمیم درست این است که آن را یا دور بیندازد یا به مغازه‌دار مرجوع کند، ولی به دلیل هزینه و وقتی که صرف کرده است، به استفاده از آن ادامه می‌دهد.

در داستان زاغ و کبک، همان‌طور که در کتاب فارسی یازدهم خوانده‌اید و در ابیات آورده شده پیداست، زاغ با مشاهده نحوه راه رفتن کبک «تصمیم می‌گیرد» به مانند او راه رفته و شیوه او را «تقلید» کند. طی کردن این فرایند برای تصمیم‌گیری اشاره به سبک تصمیم‌گیری وابسته دارد. در این سبک فرد به جای فکر کردن، از دیگران کورکورانه اطاعت می‌کند و دلیل انتخاب فرد این است که دیگران چنین تصمیمی گرفته‌اند، در حالی که انتخاب دیگران ممکن است برای ما انتخاب مناسبی نباشد.

معین با فکر کردن به ویژگی‌های هر مسیر و مشخص کردن آن‌ها به «بیان ویژگی‌های هر انتخاب» پرداخته و با نوشتن پیامدهای انتخاب هر گزینه «پیامدهای هر انتخاب» را ارزیابی کرده است. این دو مرحله به ترتیب مراحل سوم و چهارم تصمیم‌گیری هستند.

مراحل تصمیم‌گیری

مراحل	اقدام مورد نیاز	مثال توضیحی
۱	شناسایی و تعریف تصمیم مورد نظر	انتخاب رشته تحصیلی
۲	شناسایی تعداد انتخاب‌ها یا اولویت‌های آن تصمیم	انتخاب رشته تحصیلی دوره دوم متوسطه از بین چهار انتخاب
۳	بیان ویژگی‌های هر انتخاب یا اولویت	بررسی دروس هر رشته و...
۴	ارزیابی پیامدهای هر انتخاب یا اولویت	امنیت شغلی و علایق تحصیلی
۵	اجرای بهترین اولویت	انتخاب رشته علوم انسانی
۶	تعهد و پایبندی به اجرای اولویت مورد نظر	مطالعه دقیق هدفمند و کارآمد دروس این رشته
۷	بررسی پیامدها و نتایج اجرای اولویت مورد نظر	پیشرفت تحصیلی مطلوب و ابراز رضایت تحصیلی

۳۷

پاسخ: گزینه ۱

▲ مشخصات سؤال: متوسط * روان‌شناسی درس ۶

بررسی عبارات به ترتیب:

- عبارت اول: نادرست. تصمیم‌گیری یک مهارت است و می‌توان با راهکارهایی این مهارت را ارتقا داد، بنابراین یک استعداد ذاتی نیست.
- عبارت دوم: نادرست. اعتیاد، ایدز، بزهکاری، خشونت، بی‌بندوباری، تصادفات جاده‌ای و... از جمله آسیب‌های روانی-اجتماعی (نه فردی) هستند که در اثر تصمیم‌های شتاب‌زده و بدون تفکر ایجاد می‌شوند. ناتوانی در تصمیم‌گیری منجر به تعارض می‌شود و لزوماً با آسیب همراه نیست. بلکه فقط در صورت مواجهه پی در پی و مداوم با تعارض‌های مختلف موجب آسیب‌های روانی و جسمانی می‌شود.
- عبارت سوم: درست. قبل از هر اقدامی، تعریف دقیقی از تصمیم مورد نظر ارائه دهید. هر چه موضوع تصمیم‌گیری دقیق‌تر باشد، اقدام‌های بعدی هم شفاف‌تر خواهد بود.
- عبارت چهارم: درست. شاید همه ما در برخی مواقع مجبور شویم از سایر سبک‌های تصمیم‌گیری استفاده کنیم، ولی باید به‌خاطر داشت سبک غالب هر فردی باید از نوع تصمیم‌گیری منطقی باشد.

۳۸

پاسخ: گزینه ۳

▲ مشخصات سؤال: دشوار * روان‌شناسی درس ۶

- عبارت اول: سوگیری تأیید. در این قاعده غلط، فرد از اطلاعاتی استفاده می‌کند که دیدگاهش را تأیید کند و اطلاعات مخالف با دیدگاهش را نادیده می‌گیرد. کسی که با مادرشوهر خود اختلاف پیدا کرده، نسبت به او دیدگاه منفی دارد و فقط در مورد او شواهد منفی را می‌بیند. (البته کنترل نکردن هیجانات نیز می‌تواند پاسخ باشد، ولی چون در متن عبارت تأکیدی بر احساسات نشده، سوگیری تأیید پاسخ مناسب‌تری است.)
- عبارت دوم: تعارض گرایش-اجتناب. مهاجرت کردن از این جهت که موجب افزایش درآمد و رفاه بهتر می‌شود، خوشایند است، ولی از این جهت که فرد را در تنهایی و سختی قرار می‌دهد، ناخوشایند است پس فرد در حالت تعارض گرایش-اجتناب قرار گرفته است.
- نکته: تصمیم‌گیری بر اساس مزایا (گزینه ۲) و سبک تصمیم‌گیری عقلانی (گزینه ۱) در این عبارت وجود ندارد، چون مشخص نشده که فرد نهایتاً چگونه و بر اساس چه ملاکی تصمیم می‌گیرد. اگر گفته می‌شد که فرد در نهایت تصمیم به مهاجرت می‌گیرد، تصمیم‌گیری بر اساس مزایا درست محسوب می‌شد.
- عبارت سوم: سبک تصمیم‌گیری احساسی و کنترل نکردن هیجانات. وقتی فرد تحت تأثیر جذابیت ظاهری قرار بگیرد، تصمیم‌گیری او بر مبنای عواطف و هیجانات زودگذر بوده است.
- نکته: اعتماد افراطی زمانی است که فرد به خودش و قضاوت‌هایش اعتماد بیش از حد داشته باشد که در مورد این مدیر وجود ندارد.
- عبارت چهارم: کنترل نکردن هیجانات و تصمیم‌گیری بر اساس ملاک خطر. در این موقعیت فرد تحت تأثیر عواطف ترس، نگرانی و عذاب وجدان قرار گرفته است و نتوانسته تصمیم درستی بگیرد. همچنین ملاک تصمیم‌گیری او «خطر» بوده، چون به‌خاطر خطر از دست دادن آبرو و جان، به فرد مورد نظر کمک نکرده است.

گزینه ۳۹ «وجدتُ: یافتم» (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). در گزینه «۱»، «دیدم» نادرست است و گزینه «۴» نیز ترجمه نکرده است. «أقوی مصدر: نیرومندترین منبعی» (رد گزینه‌های «۱» و «۲») که در این گزینه‌ها معرفه ترجمه شده است. «أن تقرب: که نزدیک شود» (رد گزینه «۲»). «نزدیکی به ما و دوری از ما» نادرست است. فعل «تبتعد: دور شود» نیز در این گزینه نادرست آمده است. «یکفینا: برای ما کافی می‌باشد» (رد گزینه «۴»). «برای همه ما» در این گزینه «همه» اضافی است. «این» و «بتواند» در گزینه «۴» اضافی است.

گزینه ۴۰ «أحسن: نیکوتر» (رد سایر گزینه‌ها). در گزینه «۲»، «نیکوترین شیوه» کلمه «شیوه» اضافه است. در گزینه «۳»، «نیکوترین چیز» کلمه «چیز» اضافی است. در گزینه «۴»، «روشی نیکو» کاملاً نادرست است. «أعلمُ من: داناترین کسانی» (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). «داناتر از کسانی، از آن‌هایی» در این گزینه‌ها نادرست هستند. «فاضل» معادل «عالم» نیست (رد گزینه «۳»).

گزینه ۴۱ «أرشدتني إلى سبيل الخير: من را به سوی راه خیر هدایت نمود» (رد سایر گزینه‌ها). «هدایت می‌نماید» و «هدایت می‌کنند» نادرست هستند. «خوب‌ترین و بهترین راه‌ها» نیز نادرست هستند زیرا اسم تفضیل در عبارت عربی نداریم. «حکمت و موعظه‌ای ارزشمند» در گزینه «۱» نادرست است. فعل «کان: بود» را ترجمه نکرده. در گزینه «۲»، «است» نادرست است. غالباً فعل «کان» معنای «بود» می‌دهد مگر همراه با صفات خداوند یا قوانین باشد که در این حالت معنای «است» می‌دهد. «کان الله علیماً: خداوند داناست».

گزینه ۴۲ «أقرب شخص: نزدیک‌ترین فرد» (رد گزینه‌های «۱» و «۲»). «اسم تفضیل + مضاف‌الیه» به صورت «ترین» ترجمه می‌شود. «اسم تفضیل + حرف جر من» به صورت «تر» ترجمه می‌شود. ضمیر «هو: او» و «و إن: اگرچه، هرچند» در گزینه «۳» ترجمه نشده است.

گزینه ۴۳ «أن صبر» کلمه «أن» اضافی است. «أصابنا: بر ما فرود آمده است» نه «به ما دست می‌دهد».

گزینه ۴۴ «یک ساعت تفکر: تفکر ساعة» (رد سایر گزینه‌ها). در گزینه «۲»، «الساعة في التفکر» با «ال» آمده که نادرست است. در گزینه «۳» نیز «التفکر في الساعة» اشتباه است. در گزینه «۴»، «التفکرات» جمع است و نادرست. «هفتاد سال عبادت: عبادة سبعین سنة» (رد سایر گزینه‌ها). «العبادات» در گزینه‌های «۲» و «۴» نادرست است.

گزینه ۴۵ در گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» بعد از کلمه «خیر» حرف جر «من» آمده و «خیر: بهتر» ترجمه می‌شود و اسم تفضیل است. «کلّ خیر: هر خوبی» در گزینه «۳» اسم تفضیل نیست.

گزینه ۴۶ بررسی گزینه‌ها: گزینه «۱»: «مقاتلي: رزمندگان» در اصل «مقاتلین» بوده است. این کلمه «اسم فاعل» از فعل «يقاتل» است که از فعل «باب إفعال» است. / گزینه «۲»: «مساكن: خانه‌ها» مفردش «مَسْكَن» و اسم مکان است. / گزینه «۳»: «مفاخر: مفاخر» دلالت بر مکان ندارد. / گزینه «۴»: «مصالح: منفعت‌ها» هرچند بر وزن «مفاعِل» است ولی بر مکان دلالت نمی‌کند.

۴۷. **گزینه ۱** در گزینه «۱»، «الكذاب، الحفار»، در گزینه «۲»، «العلامة» و در گزینه «۳»، «اللّوامة» همگی اسم مبالغه هستند اما در گزینه «۴»، «الزّوار» مفردش «الزائر» بر وزن «فَاعِل» و اسم فاعل است.

۴۸. **گزینه ۳** «قادرون» اسم فاعل و خبر است برای مبتدا «التلاميذ». در گزینه «۴»، «من المسافرين» «جار و مجرور» و «يشاهدون» خبر است. «المثمرة» در گزینه «۱» «صفت» و «المتوكل» در گزینه «۲» نیز صفت است.

۴۹. **گزینه ۱** دقت کنید که تمام گزینه‌ها مربوط به دوره هخامنشیان است. در این دوره (دوران داریوش یکم) ضرب سکه طلا مخصوص پادشاهان بود و به آن دریک می‌گفتند. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۲»: ضرب سکه قانون داشت؛ طلا مخصوص پادشاهان و نقره مخصوص حکام ایالات بود. / گزینه «۳»: ساتراپ‌ها با اجازه شاه می‌توانستند سکه نقره ضرب کنند. / گزینه «۴»: ساتراپ‌ها فقط مجاز بودند سکه نقره ضرب کنند.

۵۰. گزینه ۲ در دوران اشکانیان و به ویژه ساسانیان، کاربرد پول به خصوص در شهرها گسترش یافت و سکه‌های نقره‌ای و مسی در مبادلات تجاری در منطقه وسیعی به جریان افتاد.

۵۱. گزینه ۴ بار دیگر جریان دادوستد به خصوص بازرگانی خارجی رونق اساسی گرفت ← عامل مهم برقراری روابط سیاسی و تجاری میان ایران و چین و در پی آن، گشایش جاده معروف ابریشم بود. از سوی دیگر می‌دانید که اشکانیان در زمان مهرداد دوم با سلسله هان مراودات بازرگانی و سیاسی داشت! همچنین خواندید که جاده ابریشم در زمان سلسله هان تأسیس شد؛ پس می‌توان گفت با یک سؤال کاملاً ترکیبی مواجه هستید!

۵۲. گزینه ۴ آموزه‌های زرتشت با تشویق مردم به کشت و کار، تأثیر بسزایی بر انتقال تدریجی آریاییان از زندگی شبانی به زندگی مبتنی بر کشاورزی داشت.

گزینه ۲ شاید بهتر باشد همان نمودار متن در ستاره درباره آتشکده‌های ساسانی را بار دیگر مرور کنید تا به راحتی بتوانید رد گزینه را انجام دهید.

مخصوص کشاورزان (کلیدواژه: برزین: برزگر/کشاورزی)

آتشکده آذربرزین مهر در خراسان

مخصوص شاهان (کلیدواژه: گشنسپ: شاه افسانه‌ای)

آتشکده آذرگشنسپ در آذربایجان

مخصوص موبدان (کلیدواژه: بغ: یکی از خدایان کهن ایرانی)

آتشکده آذرفرنغ در فارس

گزینه ۱ پرستش آناهیتا که الهه‌ای ایرانی بود و نه یونانی (ردگزینه «۴») در دوره اشکانیان رواج داشت و در استخر و کنگاور، معابد و نیایشگاه‌های مربوط به وی باقی مانده است. حواستان به گزینه‌های دیگر به خصوص گزینه «۴» باشد. چرا؟ بسیاری عبارت دوم این گزینه را که همانا اشاره به ساختن معابد به سبک یونانیان توسط پادشاهان اشکانی برای آناهیتا را دارد، ممکن است بیشتر مورد توجه قرار دهند و از بخش اول آن غافل شوند. ولی همان‌طور که گفتیم آناهیتا الهه‌ای ایرانی بود.

گزینه ۳ از جمله مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتاب‌های اعتقادی براساس تعالیم زرتشت که به زبان پهلوی نوشته شده است می‌توان به کتاب دینکرد اشاره کرد.

۵۶ **گزینه ۲** در زمان اشکانیان، **گوسان‌ها** شاعران و موسیقی‌دانان دوره‌گردی بودند که با شور و هیجان بسیاری داستان‌های **ملی و پهلوانی** را برای مردم می‌خواندند و آن‌ها را سینه‌به‌سینه به نسل‌های بعدی منتقل می‌کردند. این داستان‌ها بعدها در **تدوین خدای‌نامه‌ها و سرودن شاهنامه** توسط فردوسی مورد استفاده قرار گرفت. سنت نقالی و قصه‌گویی حتی پس از تدوین خدای‌نامه و شاهنامه، همچنان در ایران تا دوران معاصر ادامه یافت.

۵۷ **گزینه ۲** به نظر برخی زبان‌شناسان، منظومه‌های داستانی درخت آسوریک و یادگار زریران که در قرن ۵ م به خط و زبان **پهلوی ساسانی** نگارش یافته‌اند، ابتدا به زبان پارتی سروده شده بودند. همچنین به احتمال بسیار زیاد، برخی داستان‌های شاهنامه مانند داستان **پیژن و منیژه** اصل و ریشه اشکانی دارند. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: شاپورگان کتابی بود که مانی به شاپور ساسانی هدیه کرد. / گزینه «۳»: ویس و رامین اثر فخرالدین اسعد گرگانی است. / گزینه «۴»: هزارویک شب جزء شاهنامه نیست.

۵۸ **گزینه ۳** بهتر است قبل از هر چیز برویم سراغ بررسی عبارت‌ها: الف: در این عبارت، واژه «همه» کمی چالش‌برانگیز است و کل عبارت را نادرست می‌کند. / ب: عبارتی درست است. / ج: عبارتی درست است؛ یک نمونه این امر، منشور کورش است. / د: نادرست است؛ زیرا در تشکیلات امپراتوری هخامنشی از خط و زبان واحدی استفاده نمی‌شد! خط و زبان ایلامی، بابلی و ... نیز کاربرد داشت. بنابراین با جمع‌بندی بررسی موارد، می‌توان گزینه «۱» را عبارتی صحیح در نظر گرفت.

۵۹. گزینه ۲ - داریوش یکم - که دوران وی اوج شکوه و عظمت معماری ایران بود - در ابتدای حکومتش دستور داد کاخی بزرگ به نام آپادانا در شهر شوش به عنوان پایتخت اداری حکومت هخامنشی ساخته شود.

۶۰. گزینه ۴ - هنر این دوره، شکوه شاهانه و تشریفات و تجملات درباری را به نمایش می گذاشت و بخش عمده آثار هنری شاخص و ساختمان های مجلل به خواست شاه و درباریان برای زندگی تشریفاتی ایشان ساخته می شد. بررسی سایر گزینه ها: گزینه «۱»: فقط به میان دورود، هند و چین محدود نمی شد. / گزینه «۲»: عبارتی نادرست است. / گزینه «۳»: حواستان باشد که از ویژگی های هنر این دوره یکی استفاده از دستاوردهای سایر تمدن هاست و دیگری پیدایش هنری نو است که ترکیبی از اصول غیرایرانی و روح بومی بود.

تست و پاسخ ۶۱

کدام موارد، دربارهٔ «تاریخچه تقسیمات کشوری در ایران» درست‌اند؟

- الف) پیش از هخامنشیان، آبادی کوچک را ویس و آبادی بزرگ‌تر را گئو می‌نامیدند.
 ب) قسمت‌های حکومت هخامنشی در زمان حکومت اشکانیان و سلوکیان نیز ادامه داشت.
 ج) در سال ۱۳۱۶ با تصویب قانون تقسیمات کشوری، ایران به ۱۰ استان و ۴۹ شهرستان تقسیم شد.
 د) در سال ۱۳۵۷ و در آستانهٔ پیروزی انقلاب اسلامی، تعداد استان‌های ایران به ۲۸ استان افزایش یافت.

- (۱) «ب» - «د»
 (۲) «د» - «ج»
 (۳) «ج» - «الف»
 (۴) «الف» - «ب»

پاسخ: گزینه ۳

(جغرافیای دهم - درس ۸ - تاریخچه تقسیمات کشوری در ایران)

پاسخ تشریحی پس از ورود آریاییان به فلات ایران و در نخستین مرحلهٔ زندگی اجتماعی (یعنی پیش از هخامنشیان)، یک آبادی کوچک را «ویس» و آبادی بزرگ‌تر را «گئو» می‌نامیدند (درستی عبارت «الف»). بعدها در عصر هخامنشیان، داریوش کشور را به سی «شهری» که همان شهر می‌باشد، تقسیم کرد و برای هر یک از آنان مأمورینی گماشت که آن‌ها را «شهربان» و به یونانی «ساتراپ» می‌گفتند. در دوران سلوکیان، کشور به ۷۲ بخش تقسیم شد (نادرستی عبارت «ب»). قسمت‌های حکومت هخامنشی در حکومت اشکانیان یا پارت‌ها ادامه داشت. در سال ۱۳۱۶، با تصویب قانون تقسیمات کشوری، ایران به ۱۰ استان که نام هر استان یک عدد بود و ۴۹ شهرستان تقسیم شد (درستی عبارت «ج»). در سال ۱۳۵۷ و در آستانهٔ پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به ۲۴ استان تقسیم شد (نادرستی عبارت «د»).

نکته در سال ۱۳۷۲، طرح اولین استان جدید با نام اردبیل به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و پس از آن استان‌های قم، قزوین، گلستان، خراسان‌های شمالی، رضوی، جنوبی و البرز اضافه شدند.

دام تستی آگه رفتی سراغ ۱ (یعنی عبارت «ب» رو درست فرض کردی)، حواست به این نبوده که درسته پس از هخامنشیان، سلوکیان روی کار اومدن، اما اونا تقسیمات کشوری خاص خودشون رو داشتن و توی زمان اشکانیان بود که دوباره از تقسیمات هخامنشیان استفاده شد.

تست و پاسخ ۶۲

کدام گزینه، دربارهٔ واحدی از تقسیمات کشوری که در تصویر مقابل مشاهده می‌کنید، درست است؟



منتظر
«شهرستان»
است.

- (۱) در دورهٔ ساسانیان به آن «تسوج» گفته می‌شد و امروزه توسط فرماندار اداره می‌شود.
 (۲) همان «شهری» در حکومت هخامنشیان است که امروزه از نظر اداری تابع پایتخت می‌باشد.
 (۳) از به هم پیوستن تعدادی بخش همگن و همجوار تشکیل می‌شود و در دورهٔ ساسانیان، «خوره» نام داشت.
 (۴) بزرگ‌ترین واحد تقسیمات کشوری است که در دورهٔ هخامنشیان توسط ساتراپ و امروزه توسط استاندار اداره می‌شود.

پاسخ: گزینه ۱

(جغرافیای دهم - درس ۸ - تقسیمات کشوری در ایران)

مشاوره این هم از اولین سؤال غیرمستقیم و البته ترکیبی این آزمون. اول باید تشخیص بدی که تصویر مورد سؤال، مربوط به استان یا شهرستان یا بخش یا دهستان و بعد اون رو با گزینه‌ها تطبیق بدی. تازه چون سؤال ترکیبیه، باید معادلش رو توی ایران باستان هم پیدا کنی.

درس نامه •• واحد تقسیمات کشوری ایران در حال حاضر عبارت‌اند از:

واحد‌ها	تعریف	اداره‌کننده	از نظر اداری، تابع
استان	از به هم پیوستن چند شهرستان همجوار تشکیل می‌شود.	استاندار	تشکیلات مرکزی (پایتخت)
شهرستان	از به هم پیوستن چند بخش همجوار تشکیل می‌شود.	فرماندار	استان
بخش	از به هم پیوستن چند دهستان همجوار تشکیل می‌شود.	بخشدار	شهرستان
دهستان	کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری است که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه همجوار تشکیل می‌شود.	دهدار	بخش

نکته برای اداره بهتر کشور، عرضه خدمات مناسب‌تر و تأمین نیازهای مردم، آن را به واحدهای کوچک‌تری تقسیم می‌کنند. این تقسیمات، متناسب با موقعیت و زمان، تغییر می‌یابد.

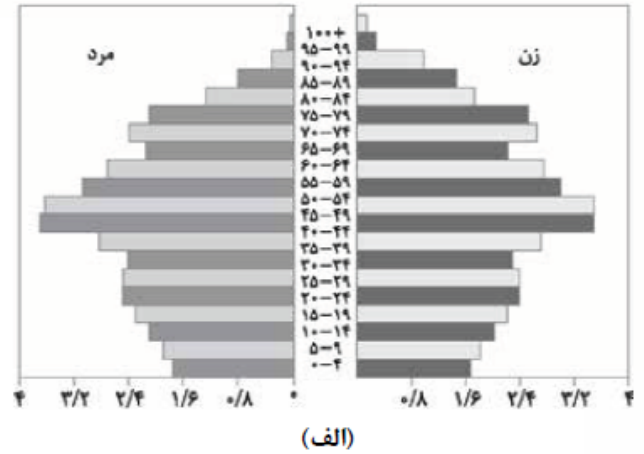
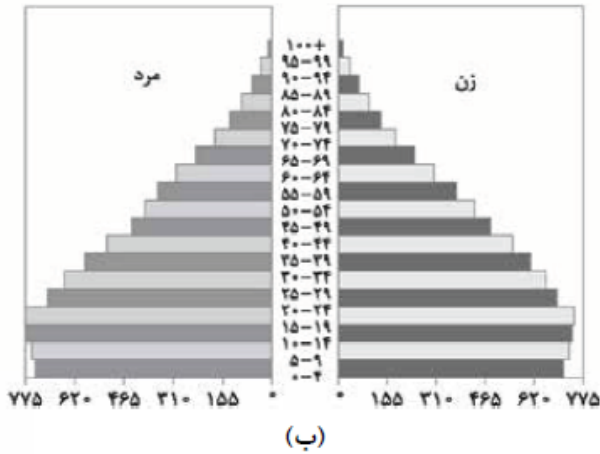
پاسخ تشریحی تصویر مورد سؤال، یک «شهرستان» را نشان می‌دهد که از به هم پیوستن «چند بخش همجوار» تشکیل می‌گردد، توسط «فرماندار» اداره می‌شود و از نظر اداری «تابع استان» است. در تقسیمات کشوری ساسانیان، «تسوگ» یا «تسوج» معادل شهرستان امروزی بوده است.

نکته در دوره ساسانیان، کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک (دهستان) تقسیم شده بود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

- ۲ شهرستان تابع استان است، نه تشکیلات مرکزی (پایتخت).
- ۳ «خوره» در دوره ساسانیان، معادل «استان» امروزی بوده است.
- ۴ تصویر مورد سؤال، مربوط به شهرستان است، نه استان.

از مقایسه دو هرم سنی زیر که مربوط به کشورهای «الف» و «ب» می‌باشد، کدام نتیجه حاصل می‌شود؟



- ۱) کشور «الف» با پیگیری سیاست‌های کنترل جمعیت می‌تواند هرم سنی خود را به هرم سنی کشور «ب» تبدیل کند.
- ۲) کشور «ب» از کمبود نیروی فعال اقتصادی رنج می‌برد و باید بکوشد خود را به هرم سنی کشور «الف» نزدیک‌تر سازد.
- ۳) سیاست‌های تشویقی کشور «الف» برای افزایش موالید نتیجه داده است و می‌تواند الگویی مناسب برای کشور «ب» باشد.
- ۴) کشور «ب» با دنبال کردن سیاست «فرزند کم‌تر - زندگی بهتر»، در آینده به هرم سنی کشور «الف» نزدیک خواهد شد.

(پغرافضای دهم - درس ۷ - سافتمان جمعیت)

پاسخ: گزینه ۴

مشاوره سال به سال داره سهم سوالات مفهومی در کنکور بیشتر می‌شه؛ پس باید ذهن خودت رو برای پاسخ به این قبیل سوالات هم آماده و ورزیده کنی. برای پاسخ به این سوال، باید دوتا گام رو طی کنی:

۱) از دقت در هرم سنی کشور های «الف» و «ب»، بفهمی که کدوم کشور، جمعیت جوانی داره و جمعیت کدوم کشور، داره به سمت پیری و سالمندی حرکت می‌کنه.

۲) از اطلاعات خارج از تصویر که قبلاً به ذهن سپردی، بفهمی برای این که هرم کشور «الف» به هرم کشور «ب» تبدیل بشه (یا برعکس)، باید از کدوم سیاست‌های جمعیتی استفاده بشه؛ سیاست‌های کنترل و کاهش جمعیت یا سیاست‌های تشویقی فرزندآوری؟!

درس نامه در مطالعات جمعیتی، بررسی ساختمان یا ترکیب جمعیت از اهمیت خاصی برخوردار است. ساختمان جمعیت، ویژگی‌های قابل اندازه‌گیری جمعیت را مورد بررسی قرار می‌دهد و اطلاع از وضعیت سنی و جنسیتی جمعیت هر کشور از موارد قابل توجه برنامه‌ریزان است.

نکته جمعیت کره زمین از لحاظ «نسبت جنسیتی»، جز در زمان‌های خاص، تفاوت چندانی ندارد، اما در طول زمان، «نسبت سنی» در کشورها دچار تغییراتی می‌شود.

پاسخ تشریحی مطابق هرم سنی کشور «الف»، تعداد مولید در این کشور پایین است و به بیان بهتر، جمعیت به تدریج رو به پیری و سالمندی حرکت می‌کند. در چنین کشوری، به تدریج از نیروی فعال اقتصادی و نیروی دفاعی کشور کاسته می‌شود. در مقابل، هرم سنی کشور «ب» نشان می‌دهد که در این کشور، تعداد مولید، بالا است و جمعیت، جوان می‌باشد؛ بنابراین، هرم سنی چنین کشوری تنها با دنبال کردن سیاست‌های کاهش فرزندآوری (مانند سیاست فرزند کم‌تر - زندگی بهتر) به هرم سنی کشور «الف» نزدیک خواهد شد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) اگر جای کشورهای «الف» و «ب» عوض شود، این گزینه می‌تواند درست باشد.

۲) کشور «ب» در حال حاضر کشوری جوان است و نیروی فعال اقتصادی زیادی دارد و ضرورتی ندارد که خود را به هرم سنی کشور «الف» نزدیک سازد.

۳) در کشور «الف» میزان مولید پایین است و لذا سیاست‌های تشویقی فرزندآوری در این کشور موفق نبوده است.

دام‌تستی اگه توی دام ۲ افتادی، در خصوص بازه سنی فعالان اقتصادی جامعه دچار اشتباه شدی و احتمالاً فکر کردی منظور از نیروی فعال اقتصادی، افرادی هستن که سن بالاتری دارنند و خب تعداد این افراد در کشور «ب» کم‌تره، اما اگه یه کم دقت کنی متوجه می‌شی که در کشور «ب» تعداد فعالان اقتصادی (یعنی افراد حدوداً ۲۰ تا ۶۰ ساله) مناسبه؛ خصوصاً این که تعداد موالید یعنی جایگزین‌های بالقوه نیروی فعال اقتصادی هم بالاست.

۶۴

تست و پاسخ

کدام گزینه، عبارت زیر را به درستی تکمیل می‌کند؟

«اگر سیاست‌های اخیر دولت در زمینه تشویق فرزندآوری منجر به افزایش نسبی موالید در سال‌های آینده شود،».

- ۱) رشد غیرطبیعی جمعیت، تعادل سنی و جنسیتی جمعیت را بر هم خواهد زد
- ۲) یکی از اصلی‌ترین موانع بر سر راه توسعه اقتصادی جامعه از میان برداشته خواهد شد
- ۳) رشد مطلق جمعیت سبب خواهد شد سیاست‌های کاهش جمعیت با جدیت بیشتری دنبال شود
- ۴) در آینده نه‌چندان دور، کشور انفجار جمعیت را تجربه خواهد کرد که زمینه‌ساز مشکلات اقتصادی است

(بفرافیای دهم - درس ۷ - سیاست‌های جمعیتی)

پاسخ: گزینه ۲

درس نامه ●● سیاست‌های کاهش جمعیت در ایران، سبب کاهش رشد جمعیت در سال ۱۳۹۵ شد. این کاهش در آینده می‌تواند مشکلاتی برای کشور ما ایجاد کند که از جمله می‌توان به بر هم خوردن تعادل جمعیتی (سن و جنس)، کاهش نیروی فعال و تضعیف نیروی دفاعی کشور اشاره کرد.

نکته اگر سیاست کنترل جمعیت در ابعاد شدید ادامه پیدا کند، جمعیت کشور به تدریج دچار پیری می‌شود و در نهایت، مشکلات دیگری در بر خواهد داشت.

نباید سیاست کنترل جمعیت به گونه‌ای باشد که هرم سنی کشور به سمت سالمندی و کهنسالی حرکت کند، زیرا این پدیده مانع اصلی بر سر راه توسعه اقتصادی جامعه خواهد بود. در کشور ما، کاهش موالید در دهه اخیر سبب شده تا برای جمعیتی که به سوی میانسالی و پیری حرکت می‌کند، جایگزین کافی وجود نداشته باشد. از این رو، اگر سیاست‌های اخیر دولت در زمینه تشویق فرزندآوری (مانند اعطای زمین و وام به خانواده‌ها) منجر به افزایش نسبی موالید در سال‌های آینده شود، یکی از موانع اصلی بر سر راه توسعه اقتصادی که همان کاهش نیروی جوان و فعال است، از میان برداشته می‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) توی نکته سؤال قبل پی‌گفتیم؟! ترکیب جنسیتی (نسبت زنان به مردان)، در طول زمان، غالباً تفاوت چندانی نمی‌کند، چون در بین موالید، هم دختر وجود دارد و هم پسر؛ بنابراین افزایش موالید، تعادل در ترکیب جنسیتی جمعیت را بر هم نمی‌زند؛ به‌ویژه این‌که چنین رشد جمعیتی غیرطبیعی نخواهد بود و تازه کاهش جمعیت رخ داده را اندکی جبران می‌کند.

۳) رشد مطلق جمعیت وابسته به میزان مهاجرپذیری و مهاجرفرستی است و صرفاً با توجه به میزان موالید و مرگومیر اندازه‌گیری نمی‌شود.

۴) با توجه به کاهش چشمگیر موالید در دهه اخیر، حتی تعداد زیاد موالید نیز انفجار جمعیت را در پی نخواهد داشت.

دام تستی

تک‌تک واژه‌های صورت سؤال، بار معنایی خاصی دارند؛ پس وقتی صحبت از افزایش «نسبی» جمعیت می‌شه، یعنی این افزایش به اندازه‌ای نیست که انفجار جمعیت لقب بگیره؛ پس بپا توی دام ۴ نیفتی.

۶۵

تست و پاسخ

چرا مطالعه مهاجرت در بحث تغییرات جمعیت مهم است؟

- ۱) برخلاف مکان مقصد، مهاجرت، ترکیب سنی و جنسیتی مکان مبدأ را تغییر می‌دهد.
- ۲) مهاجرت از روستا به شهر، از مهم‌ترین انواع مهاجرت داخلی در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود.
- ۳) با پیشرفت فناوری و وسایل حمل‌ونقل، مهاجرت و جابه‌جایی افراد نسبت به گذشته افزایش یافته است.
- ۴) اعضای خانوارها اغلب با هم مهاجرت می‌کنند و یا چندین خانواده یا ساکنان یک منطقه با هم جابه‌جا می‌شوند.

پاسخ: گزینه ۴

(جغرافیای دهم - درس ۷ - مهاجرت)

درس نامه ●● مهاجرت عبارت است از جابه‌جایی بین دو واحد جغرافیایی یا به عبارتی ترک یک سرزمین و اسکان در سرزمین دیگر. بعضی از متخصصان، مهاجرت از ابتدای قرن بیستم تا به حال را در سه شکل بیان کرده‌اند:

مهاجرت از روستا به شهر	باعث جذب نیروی انسانی جوان از روستا به شهر می‌شود. این مهاجرت، با از دست دادن نیروی کار روستا و افزایش جمعیت فعال اقتصادی شهر، خود را در اقتصاد کشور نشان می‌دهد.
مهاجرت‌های گروهی	براساس تصمیمات سیاسی انجام می‌شود.
مهاجرت خارجی	در آن، افراد از یک کشور به کشور دیگر جابه‌جا می‌شوند و بر دو نوع اجباری و اختیاری است.

پاسخ تشریحی نکته قابل توجه در مهاجرت این است که اعضای یک خانواده با هم به دنیا نمی‌آیند و با هم از دنیا نمی‌روند (مگر در سوانح)، ولی اغلب، اعضای خانوارها با هم مهاجرت می‌کنند و حتی در مواردی، چندین خانواده یا کلیه ساکنان یک محل یا منطقه، به خاطر عامل یا عوامل مشترک، جابه‌جا می‌شوند. به همین خاطر، مطالعه مهاجرت در بحث تغییرات جمعیت مهم است.

نکته مهاجرت هم بر مکان مبدأ و هم بر مکان مقصد اثر می‌گذارد و این تأثیرات در ترکیب سنی و جنسیتی جمعیت، قیمت زمین و مسکن، اشتغال، امکانات و تجهیزات، فرهنگ و زبان قابل مشاهده است. (رد ۱)

دام تستی ۲ بیانگر یک گزاره خبری درباره مهاجرت از روستا به شهر و ۳ بیانگر علت افزایش انواع مهاجرت در دهه‌های اخیر است و این دو گزینه، به چرایی اهمیت مهاجرت در بحث تغییرات جمعیت اشاره‌ای ندارند؛ پس نمی‌توانند پاسخ درست سؤال باشند.

۶۶ در کدام حالت، سیاست کنترل جمعیت می‌تواند به مانعی مهم بر سر راه توسعه اقتصادی جامعه تبدیل شود؟

- ۱) پهن‌تر شدن قسمت میانی هرم سنی جمعیت
- ۲) سبقت گرفتن میزان مولید از میزان مرگ و میر
- ۳) حرکت هرم سنی کشور به سمت سالمندی و کهنسالی
- ۴) سیر صعودی نرخ رشد مطلق در مقایسه با نرخ رشد طبیعی

پاسخ: گزینه ۳ (متوسط - مفهومی - ۱۰۰۷)

پاسخ تشریحی:

اساساً نباید سیاست کنترل جمعیت به گونه‌ای باشد که هرم سنی کشور به سمت سالمندی و کهنسالی حرکت کند؛ زیرا این پدیده مانع اصلی بر سر راه توسعه اقتصادی جامعه خواهد بود.

سیاست‌های جمعیتی:

در دهه‌های اخیر، بر اثر گسترش بهداشت و واکسیناسیون، لوله‌کشی و بهبود آب آشامیدنی، رونق صادرات نفت و واردات مواد غذایی، میزان مرگ‌ومیر کاهش یافته و سبب افزایش سریع جمعیت شده است. سیاست‌های کاهش جمعیت، می‌تواند مشکلاتی برای کشور ما ایجاد کند که از جمله می‌توان به برهم خوردن تعادل جمعیتی (سن و جنس)، کاهش نیروی فعال و تضعیف نیروی دفاعی کشور، اشاره کرد. اگر سیاست کنترل جمعیت در ابعاد شدید ادامه پیدا کند، جمعیت کشور به تدریج دچار پیری خواهد شد و در نهایت مشکلات دیگری دربرخواهد داشت.

«در دوره هخامنشیان داریوش کشور را به سی شَهْرَبی تقسیم کرد و»

- (۱) این تقسیم‌بندی در دوره اشکانیان همانند دوره ساسانیان، بدون تغییر ماند.
- (۲) این تقسیم‌بندی در دوره ساسانیان برخلاف دوره اشکانیان، بدون تغییر ماند.
- (۳) این تقسیم‌بندی در دوره اشکانیان همانند دوره ساسانیان، تغییر پیدا کرد.
- (۴) این تقسیم‌بندی در دوره ساسانیان برخلاف دوره اشکانیان، تغییر پیدا کرد.

(متوسط - مفهومی - ۱۰۰۸)

پاسخ: گزینه ۴



در عصر هخامنشیان، داریوش کشور را به ۳۰ شَهْرَبی که همان شهر است، تقسیم کرد و برای هر یک از آنان مأمورینی گماشت که آن‌ها را شهربان و به یونانی «ساتراپ» می‌گفتند. این تقسیم‌بندی در حکومت اشکانیان یا پارت‌ها ادامه داشت، اما در دوره ساسانیان شیوه کشورداری تغییر کرد و کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک (دهستان) تقسیم شد. در دوره اشکانیان همانند هخامنشیان کشور به ۳۰ شَهْرَبی تقسیم شد و این تقسیم‌بندی در دوره ساسانیان برخلاف دوره اشکانیان، تغییر پیدا کرد.

دوره تاریخی	شرح تقسیمات کشوری
پیش از اسلام	آریاییان
	یک آبادی کوچک را «ویس» و آبادی بزرگ‌تر را «گنو» می‌نامیدند.
	هخامنشیان
	داریوش کشور را به سی شَهْرَبی که همان شهر می‌باشد، تقسیم کرد و برای هر یک از آنان مأمورینی گماشت که آن‌ها را شهربان و به یونانی «ساتراپ» می‌گفتند.
پس از اسلام	سلوکیان
	کشور به ۷۲ بخش تقسیم شد.
	اشکانیان
	قسمت‌های حکومت هخامنشی در حکومت اشکانیان یا پارت‌ها ادامه داشت.
	ساسانیان
	کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک (دهستان) تقسیم شده بود.
	عباسیان
	در دوره عباسیان، قلمرو جغرافیایی آن‌ها به واحدهایی تحت عنوان ایالت تقسیم‌بندی می‌شد که در مجموع به ۳۱ ایالت می‌رسید.
پس از اسلام	صغوبه، افشاریه، زندیه و قاجاریه
	عناصر اصلی تقسیمات کشوری به ترتیب عبارت بودند از: ایالت، ولایت، بلوک و قصبه.
	قاجاریه
	در دوره قاجاریه ایران به چهار ایالت و دوازده ولایت تقسیم شد. این ایالت‌ها عبارت بودند از: آذربایجان، کرمان و بلوچستان، فارس و بندر، خراسان و سیستان.
	با تصویب قانون تقسیمات کشوری، ایران به ده استان که نام هر استان یک عدد بود و ۴۹ شهرستان تقسیم شد. در این قانون، هر استان به چند شهرستان و هر شهرستان به چند بخش و هر بخش به چند دهستان و هر دهستان به چند قصبه تقسیم می‌شد.
سال ۱۳۱۶	در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به ۲۴ استان تقسیم شد.
سال ۱۳۵۷	در سال ۱۳۷۲ ه.ش طرح اولین استان جدید با نام اردبیل به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و پس از آن استان‌های قم، قزوین، گلستان، خراسان‌های شمالی، رضوی، جنوبی و البرز اضافه شدند.
سال ۱۳۷۲	

کدام گزینه می‌تواند پیامد مهاجرت‌های داخلی روستاها به شهرها باشد؟

- (۱) باعث از دست دادن نیروی کار و فعال روستاها و افزایش جمعیت شهرها می‌شود.
- (۲) شهرها و روستاها را به ترتیب تبدیل به نواحی مهاجرفرست و مهاجرپذیر می‌کند.
- (۳) منجر به افزایش قیمت زمین و مسکن و تخریب فرهنگ نواحی روستایی می‌شود.
- (۴) رشد مطلق جمعیت سکونتگاه‌های شهری را برخلاف نواحی روستایی تغییر می‌دهد.

(متوسط - خط به خط - ۱۰۰۷)

پاسخ: گزینه ۱



به‌طور کلی دو نوع مهاجرت داخلی بین شهر و روستا مشاهده می‌شود. دسته اول مهاجرت از روستاها به شهرها، دسته دوم مهاجرت از شهرها به روستاها. در دسته اول روستاها به عنوان نواحی مهاجرفرست با تخلیه جمعیت به‌ویژه جمعیت فعال مواجه می‌شوند و در نتیجه فعالیت‌های زراعت و باغداری آسیب‌های اساسی خواهد دید. از سوی دیگر شهرها به عنوان نواحی مهاجرپذیر با افزایش نابرابر جمعیتی روبه‌رو می‌شوند که مسائلی از قبیل کمبود اشتغال و مسکن را افزایش می‌دهد. بر این اساس رشد مطلق جمعیتی (رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت) در هر دو سکونت‌گاه تغییر می‌کند.

- ۱) هر شهرستان تعیین شده در یک استان، لازم است بیش از یک بخش را در محدوده خود داشته باشد.
- ۲) هر یک از روستاهای تابع دهستان، به عنوان کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری نام‌گذاری شده است.
- ۳) هر یک از استان‌های کشور، لازم است بیش از یک شهرستان غیرهمجوار را در محدوده خود داشته باشد.
- ۴) هر بخش، واحدی از تقسیمات کشوری است که به‌طور مستقیم، تابع استان‌ها قرار دارد و چند شهرستان دارد.

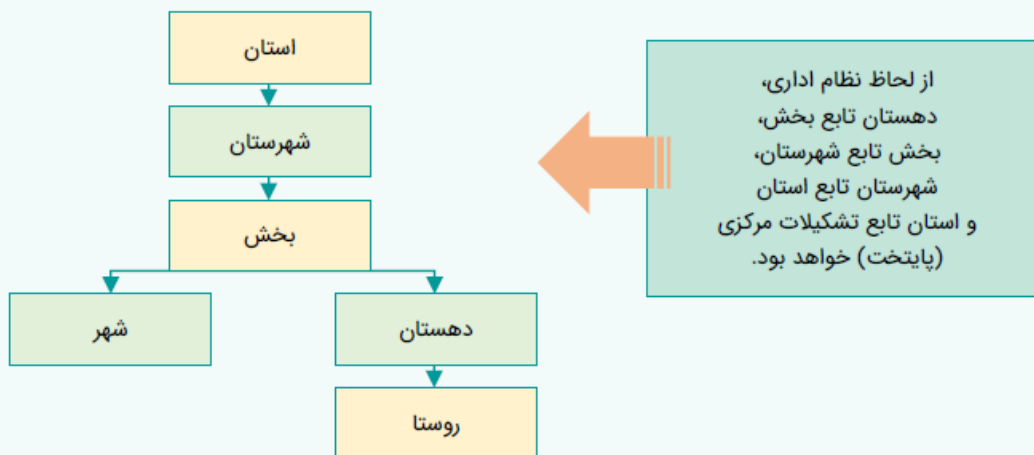
(متوسط - خط به خط - ۱۰۰۸)

پاسخ: گزینه ۱



شهرستان واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند بخش هم‌جوار تشکیل شده که از نظر عوامل طبیعی و اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، واحد متناسب و همگنی را به وجود آورده است. شهرستان توسط فرماندار اداره می‌شود.

تقسیمات کشوری در ایران:



استان: واحد از تقسیمات کشوری است که با محدوده جغرافیایی معین، از به هم پیوستن چند شهرستان هم‌جوار با توجه به موقعیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی تشکیل می‌شود.

بخش: واحدی از تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند دهستان هم‌جوار شامل چندین مزرعه، مکان، روستا و احیاناً شهر تشکیل شده است.

دهستان: کوچک‌ترین واحد تقسیمات کشوری با محدوده جغرافیایی معین است که از به هم پیوستن چند روستا، مکان و مزرعه هم‌جوار تشکیل می‌شود.

- ۱) اگر صرفاً میزان موالید و مرگ و میر را در یک سال مشخص از هم کم و بر تعداد کل جمعیت تقسیم کنیم و سپس آن را به درصد بیان کنیم، رشد مطلق جمعیت به دست می آید.
- ۲) اگر صرفاً میزان موالید و مرگ و میر را در یک سال مشخص از هم کم و بر تعداد کل جمعیت تقسیم کنیم و سپس آن را به درصد بیان کنیم، رشد طبیعی جمعیت به دست می آید.
- ۳) در صورتی که علاوه بر اندازه گیری میزان موالید و مرگ و میر، وضعیت مهاجرت را در جمعیت یک کشور در سال مشخص، کم یا اضافه کنیم، رشد طبیعی جمعیت به دست می آید.
- ۴) در صورتی که بدون توجه به اندازه گیری میزان موالید و مرگ و میر، وضعیت مهاجرت را در جمعیت یک کشور در سال مشخص، کم یا اضافه کنیم، رشد مطلق جمعیت به دست می آید.

(متوسط - مفهومی - ۱۰۰۷)

پاسخ: گزینه ۲



پاسخ تشریحی:

در این سؤال لازم است به مفهوم رشد طبیعی جمعیت و رشد مطلق جمعیت توجه داشته باشیم. رشد طبیعی جمعیت صرفاً با میزان زاد و ولد و مرگ و میر سروکار دارد که مسائلی مانند بهداشت و درمان و ... در میزان آن تأثیر بسیار دارد. رشد مطلق جمعیت نیز همان رشد طبیعی است که بحث مهاجرت در آن مطرح می شود. بنابراین دو منطقه خواهیم داشت مهاجرپذیر و مهاجرفرست که فرآیند مهاجرت در میزان رشد مطلق جمعیت هر دو تأثیرگذار است. بنابراین رشد مطلق جمعیت علاوه بر این که اثرات منفی یا مثبت در رشد جمعیت دارد، همه مباحث رشد طبیعی جمعیت را در بر می گیرد.

اندازه گیری رشد طبیعی و مطلق جمعیت:



برای اندازه گیری رشد طبیعی جمعیت میزان موالید و مرگ و میر را در یک سال مشخص از هم کم می کنیم و بر تعداد کل جمعیت تقسیم می کنیم. سپس آن ها را به درصد بیان می کنیم.

$$\text{رشد طبیعی جمعیت} = \frac{\text{میزان مرگ و میر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}} \times 100$$

موالید و مرگ و میر رشد طبیعی جمعیت را نشان می دهد که اگر مهاجرت را به آن اضافه یا از آن کم کنیم، رشد مطلق جمعیت به دست می آید.

$$\text{رشد مطلق جمعیت} = \frac{(\text{تعداد مهاجرت کنندگان از کشور} + \text{تعداد مرگ و میر}) - (\text{تعداد مهاجرت کنندگان به کشور} + \text{تعداد موالید})}{\text{کل جمعیت}} \times 100$$